

شناخت جرایم بدون بزه‌دیده**

محسن رهامی^۱، * علی مراد حیدری^۲

۱ - عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲ - دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران.

تاریخ پذیرش: ۸۳/۹/۱۴

تاریخ دریافت: ۸۳/۵/۲۱

چکیده

با توجه به نقش روزافزونی که جرایم « بدون بزه‌دیده» در تعیین سیاست جنایی کشورها، از جمله کشور ما دارد این تحقیق در جهت شناسایی این جرایم به عمل آمده است. در این تحقیق، پس از تبیین مفهوم این نوع جرایم و جایگاه آنها، ارتباطشان با سایر مقوله‌های سیاست جنایی از قبیل جریان دعوی کیفری، آمار جنایی، احساس ناامنی (ترس و نگرانی از جرم)، پیشگیری از جرم و عدالت ترمیمی توضیح داده شده است. عناصر سه‌گانه بزه‌دیده، رضایت و خسارت که در شناخت جرایم بدون بزه‌دیده نقش کلیدی دارند نیز مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است، همچنین رابطه جرایم بدون بزه‌دیده با مقوله اخلاق و محدوده آزادی در اخلاق عمومی مورد بررسی نگارندگان مقاله واقع شده است و با توجه به تحولات حقوق کیفری ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحت تأثیر فقه کیفری اسلام، و ورود مقوله‌هایی چون حق... و حدود الهی به حوزه قوانین جزایی، نویسندگان مقاله بر اساس طبقه‌بندی جدید جرائم، مصادیق جرایم بدون بزه‌دیده را در نظام فعلی حقوق کیفری ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند و به منظور بررسی تطبیقی، نظر حقوقدانان امریکایی در مورد مصادیق جرایم بدون بزه‌دیده مورد توجه قرار گرفته است. نگارندگان بر این امر تأکید کرده‌اند که به کار بردن اصطلاح رایج جرایم « بدون بزه‌دیده» در این جرائم، صحیح نیست و مناسبتر است حسب مورد از اصطلاحاتی چون «جرایم توافقی» یا «جرایم بدون بزه‌دیده معین»، استفاده گردد.

کلید واژه‌ها: بزه‌دیده، جرایم بدون بزه‌دیده، جرایم توافقی، بزه‌دیده شناسی، جرایم توأم با رضایت، قواعد اخلاقی

* نویسنده عهده دار مکاتبات
Email:rahami@ut-cq.ac.ir

** این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی تحت عنوان «جرائم بدون بزه‌دیده» به شماره ۲۱۰۴۰۰۲/۱/۰۱ است که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده است.



۱- مقدمه

یکی از تازه‌ترین و در عین حال مهمترین موضوعاتی که در چند دهه اخیر در علوم جنایی به طور کلی و در علم جرم‌شناسی به طور خاص مطرح شده و مباحث زیادی را در پی داشته، موضوع «بزه‌دیده» است. این موضوع به اندازه‌ای حائز اهمیت است که به طور قطع می‌توان ادعا کرد مثلث «بزه، بزه‌کار و کیفر» را که تا پایان جنگ جهانی دوم یگانه شکل هندسی علوم جنایی بوده، بعد از جنگ جهانی دوم و خصوصاً طی چند دهه اخیر تغییر شکل داده و با اضافه شدن ضلع اساسی «بزه‌دیده»، به مربع بزه، بزه‌کار، بزه‌دیده و کیفر تبدیل کرده است [۱، ص ۴۷]. توجه بیشتر جرم‌شناسان به بزه‌دیده از دو زاویه قابل بررسی است:

۱. توجه به نقش و تأثیر بزه‌دیده در تکوین جرم،
۲. توجه به جبران خسارت و ضرر و زیانی که در اثر ارتکاب جرم بر بزه‌دیده وارد شده است.

رویکرد اول، موجب پیدایش رشته «بزه‌دیده شناسی اولیه یا علمی» و رویکرد دوم سبب تولد شاخه «بزه‌دیده شناسی ثانویه یا حمایتی» در قالب دو رشته علمی نوپا گردیده که به ترتیب در زیرمجموعه‌های «جرم شناسی» و «سیاست جنایی» قرار می‌گیرد. توجه به تأثیر و نقش بزه‌دیده در وقوع جرم و یا تلاش برای ترمیم و جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده و به عبارت دیگر، بزه‌دیده شناسی - اعم از بزه‌دیده شناسی اولیه یا ثانویه - بر این فرض مبتنی است که در یک فرایند مجرمانه، عنصر فعال و تعیین کننده‌ای به نام «بزه‌دیده» حضور دارد و تمامی مباحث، تحقیقات، تلاشها و راهکارهای ارائه شده مبتنی بر این فرض است.

با وجود این، در قوانین جزایی بسیاری از کشورها و در غالب نظامهای حقوقی معاصر، بعضی مواد قانونی وجود دارند که رفتارهای خاصی را «جرم انگاری» کرده‌اند در حالی که در این جرایم «بزه‌دیده»، به معنای اصطلاحی و مورد نظر، یا وجود ندارد یا در صورت وجود با رضایت کامل، خود را در معرض وقوع جرم قرار داده و بنابراین خود را متضرر از جرم نمی‌داند و در پی ترمیم و دریافت خسارت نیست و در بعضی موارد نیز جرم با دو یا چند بزه‌کار و بدون وجود بزه‌دیده خاص اتفاق می‌افتد.

این جرایم که امروزه در مباحث تخصصی «بزه‌دیده شناسی»، «جرایم بدون بزه‌دیده»^۱

۱. victimless crimes

نامیده می‌شوند از اهمیت فراوانی در سیاست جنایی هر کشوری، از جمله کشور ما برخوردارند و همین اهمیت، ضرورت شناسایی و معرفی آنها را ایجاب می‌کند. این اهمیت به ویژه در ایران پس از انقلاب اسلامی و با تصویب قوانین جزایی جدید که از فقه اسلام منبعث گردیده، دو چندان شده است. توضیح اینکه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در چارچوب قواعد عرفی حاکم بر قوانین کیفری، به طور کلی جرایم به دو دسته قابل گذشت و غیرقابل گذشت تقسیم می‌گردید و تحولات نیم قرن قانونگذاری کیفری، خصوصاً در سالهای منتهی به پیدایش انقلاب اسلامی در جهت گرایش مقنن به افزایش موارد جرایم قابل گذشت بود [۲، ص ۲۰۲]؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به تقسیم‌بندی جدید جرایم به حق... و حق الناس و حق الحکومه و براساس قواعد فقه جزایی، از یک طرف، بخشی از جرایم به عنوان حق... و حدود الهی و غیرقابل گذشت وارد نظام تقنینی ایران شد و از طرف دیگر، دسته مهمی از جرائم، به عنوان حق الناس، مشمول جرایم قابل گذشت گردید. خصوصاً در جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، نقش بزه دیده و قائم مقام او، در گذشت از قصاص، اهمیت فراوانی در فرآیند پرونده کیفری پیدا کرد. با توجه به مراتب مذکور، این مقاله درصدد ارائه پاسخ به سؤالات اساسی زیر است:

۱. مفهوم «جرایم بدون بزه دیده» چیست و این جرایم با سایر مقوله‌های سیاست جنایی چون آمار جنایی، پیشگیری از جرم، احساس ناامنی، عدالت ترمیمی و نیز با مقوله اخلاق و آزادیهای عمومی چه ارتباطی دارند.

۲. عناصر اصلی «جرایم بدون بزه دیده» کدامند و هر یک چه نقشی در تحقق این جرایم دارند؟

۳. مصادیق این جرایم در نظامهای حقوق کیفری کدام جرایم است؛ خصوصاً در کشور ما، آن هم با توجه به تحولاتی که در ربع قرن اخیر واقع شده است؟
قبل از ورود به بحثهای اصلی که در مقام پاسخ به این پرسشها است، ضرورت دارد ابتدا لزوم مطالعه جرایم بدون بزه‌دیده و سپس مفهوم آن تبیین شود.

۲- مفهوم جرایم بدون بزه‌دیده و ضرورت بررسی آن

نگاهی کوتاه به تاریخ تحولات اندیشه‌های کیفری به خوبی به اثبات می‌رساند در مکتب کلاسیک که با انتشار «رساله جرایم و مجازاتها» اثر سزار بکاریا در سال ۱۷۶۴ بنیان‌گذاری شد، مسأله «بزه» رفتار یک انسان آزاد تلقی می‌شده است [۳، ص ۴۶].



با گذشت بیش از یک قرن پس از آن، با ظهور مکتب اثباتی، و در پی انتشار کتاب «انسان بزه‌کار»، اثر سزار لمبروزو در سال ۱۸۷۶، کم کم زمینه نگرش علمی به جرم فراهم شد و این امر به نوبه خود زمینه تولد رشته جدیدی به نام «جرم شناسی» را فراهم آورد. از منظر این رشته نوپا، مرکز ثقل توجه حقوق کیفری باید مرتکب جرم، یعنی شخص بزه‌کار باشد [۳، ص ۵۸ و ۴، ص ۹۲].

اما کمتر از یک سده پس از تولد جرم شناسی، توجه بعضی از جرم شناسان به عنصر فعال دیگری در فرایند بزه‌کاری به نام «بزه‌دیده» جلب شد و مطالعات آنان بر تعیین سهم، نقش، شخصیت، منش و سایر امور مربوط به بزه‌دیده در تکوین جرم متمرکز گردید [۵، ص ۱۰ و ۲، ص ۲۰۰].

این تغییر نگرش، تحولات عمیقی را در «علت شناسی جنایی» ایجاد کرد که دستاورد این تحولات، تولد رشته مطالعاتی - تخصصی جدیدی با عنوان «بزه‌دیده شناسی» بود. از منظر این رشته مطالعاتی، «بزه‌دیده» می‌تواند با نوع رفتار، گفتار و کردار خود، عامل وقوع جرم و یا حداقل عنصر مؤثر وقوع جرم باشد.

این واقعیت به نوبه خود سبب تحول «جرم شناسی پیشگیرانه» که از انواع سه گانه جرم‌شناسی کاربردی تلقی می‌گردد، شده، به طوری که امروزه شکل جدیدی از پیشگیری موسوم به «پیشگیری بزه‌دیده شناختی» که خود از شاخه‌های «پیشگیری وضعی از بزه‌کاری» محسوب می‌شود در سیاست جنایی مورد توجه و استفاده قرار گرفته است. تدابیر و اقدامات در پیشگیری بزه‌دیده شناختی ناظر به اجتناب از بزه‌دیده واقع شدن و یا به عبارت دیگر «جلوگیری از بزه دیدگی» افراد یا اموال به عنوان آماج یا هدف جرم است. به عقیده یکی از نویسندگان، «شاید بتوان گفت نقش بزه‌دیده یکی از مهمترین موضوعات جرم شناسی پیشگیری بوده و آسیب‌پذیری بزه‌دیده یا آماج‌های جرم از عوامل مؤثر در بزه‌کاری است» [۶، ص ۴۳۲].

امروزه دو نوع بزه‌دیده شناسی وجود دارد: ۱) بزه‌دیده شناسی اولیه یا بزه‌دیده شناسی علمی که شاخه‌ای از جرم شناسی علت شناسی است و در آن رابطه بزه‌دیده با بزه‌کار در آستانه ارتکاب جرم و به ویژه نقش و تأثیر بزه‌دیده در وقوع جرم بررسی می‌شود.

۲) بزه‌دیده شناسی ثانویه یا بزه‌دیده شناسی حمایتی که هدف آن حمایت از بزه‌دیده است که در این دیدگاه، بزه‌دیده صرف نظر از نقشش در وقوع جرم، یک فرد خسارت دیده و مظلوم تلقی می‌شود که باید جبران خسارت شود. به دنبال این مسأله در سیاست جنایی ترمیمی، خسارت وارد به بزه‌کاران یا خسارت زدایی از آنها مطرح شده است [۷، ص ۹۲].

چه در بزهدیده شناسی علمی و چه در بزهدیده شناسی حمایتی، مباحث، مطالعات و پیشنهادها، مبتنی بر فرض «وجود» بزهدیده است، نه «فقدان» او؛ لکن باید توجه داشت که در بسیاری از قوانین جزایی، رفتارهایی جرم انگاری شده‌اند که در عالم واقع وجود عنصری به نام «بزهدیده» در آنها مورد تردید است. بدیهی است مباحث بزهدیده شناسی در مورد این جرایم واجد جهت و قالب متفاوتی خواهد بود.

۲-۱- ضرورت بررسی جرایم بدون بزهدیده

ضرورت مطالعه و بررسی جرایم فاقد بزهدیده از چند نظر قابل تبیین است:

۱. تازگی بحث: همان گونه که در مقدمه مقاله بیان شد، خاستگاه مبحث جرایم بدون بزهدیده، رشته جدیدی از جرم شناسی به نام «بزهدیده شناسی» است. محققان این رشته جدید که هم اصلی آنها بررسی و مطالعه نقش و جایگاه بزهدیده یا قربانی در فرایند تکوین جرم (بزهدیده شناسی علمی) همچنین برآورد خسارت‌های مادی و معنوی و یافتن شیوه‌های جبران این خسارات بوده، در خلال مباحث علمی خود فهمیده‌اند جرائمی وجود دارند که در آنها یا اصولاً بزهدیده‌ای نیست یا اگر هست بزهدیده‌عادی محسوب نمی‌شود، بلکه بزهدیده‌ای است که خود خواهان بزه بوده و به عبارت دیگر «بزهدیده خود خواسته» است یا حتی در مواردی بزهدیده خود به نحوی بزه‌کار است. آنچه مسلم است این است که بحث از جرایم بدون بزهدیده جزئی از مباحث کلی تر راجع به «بزهدیده شناسی»^۱ است و از آنجا خود علم بزهدیده شناسی از قدمت و سابقه چندانی برخوردار نیست تبعاً مباحث مربوط به جرایم بدون بزهدیده هم غنا و قدمت در خور توجهی ندارد و هنوز نیازمند بحثها و مطالعات عمیقتر است. این مطلب خصوصاً در حقوق کیفری ایران اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ چون در کشور ما صرف نظر از اینکه بررسیها و مطالعات کمی و کیفی شایان زکری در این زمینه صورت نگرفته، کثرت نسبی تعداد جرائمی که به نظر بسیاری از حقوقدانان امروزی فاقد «بزهدیده» تلقی می‌شود و لزوم شناسایی و تجزیه و تحلیل و نیز توجیه عملی حقوقی جرایم مذکور این اهمیت را دو چندان کرده است مراد از این جرایم در حقوق ایران که مبتنی بر فقه اسلام است، جرایم مربوط به اعمال منافی عفت نظیر زنا، لواط و مساحقه است که امروزه تحت عنوان «جرایم رضایت آمیز» یا «جرایم توافقی»^۲ شناخته می‌شوند.

۱. victimology

۲. consensual crimes.



۲. مبهم بودن موضوع: همان گونه که در بحث از مفهوم جرایم بدون بزه دیده ملاحظه خواهد شد، اختلاف نظر کم نظیری در مورد تعریف جرایم بدون بزه دیده و به تبع آن مصادیق این دسته از جرایم وجود دارد که این موضوع می‌تواند ناشی از تفاوت دیدگاهها در مورد مبنای جرم انگاری اعمال و رفتارهای انسانی باشد که تشکیل دهنده مباحث مربوط به «فلسفه حقوق کیفری» است.

در خصوص موضوع مورد بحث نیز رویکردهای متعدد و متفاوتی در مورد «جرم انگاری»^۱ یا «جرم زدایی»^۲ نسبت به جرایم بدون بزه‌دیده وجود دارد که هر کدام مبتنی بر دلایل و توجیهات خاص خود است. همچنین در مورد مفهوم «بزه‌دیده» نیز اختلاف نظر عمده ای دیده می‌شود. بدیهی است ارائه تعریفی درست از جرایم فاقد بزه‌دیده منجر به شناسایی بهتر مصادیق این رسته جرایم شده، زمینه مساعدتری را برای اتخاذ موضعی منطقی و صحیح و با توجه به مبنای فکری، فلسفی، اجتماعی، حقوقی و... هر جامعه فراهم می‌آورد.

۲-۲- مفهوم جرایم بدون بزه‌دیده

یکی از مهمترین و در عین حال مشکلترین مباحث در مورد جرایم بدون بزه‌دیده، تعریف این جرایم و تبیین مفهوم صحیح آنها است، چرا که تفاوت در تعریف این جرائم، منجر به اختلاف در شناسایی مصادیق این جرم از یک سو و تفاوت موضوع در قبال جرم انگاری یا جرم‌زدایی این جرایم از سوی دیگر می‌شود.

برای تبیین دامنه اختلاف نظر در مورد جرایم بدون بزه‌دیده، چند تعریف را به عنوان نمونه ذکر می‌کنیم:

۱. مطابق تعریف ارائه شده از سوی صاحب‌نظران علوم جنایی: «جرایم بدون بزه‌دیده جرایمی هستند که هیچ بزه دیده معینی ندارند. آنها از اعمالی تشکیل شده‌اند که به خاطر زیر پا نهادن قواعد اخلاقی غیرقانونی شمرده شده‌اند» [۸، ص ۲۸].

۲. به موجب تعریف آقای گسن «جنایات بدون قربانی، اعمالی غیراخلاقی هستند که موجب هیچ خسارت قابل تشخیص برای اشخاص ثالث نیستند» [۹، ص ۱۹۵].

۳. برابر یک تعریف دیگر: «جرایم بدون بزه‌دیده اعمالی هستند که به کسی آسیبی نمی‌رسانند، بلکه به خاطر وارد کردن اخلاق در قانون از طرف دولت جرم انگاری شده‌اند» [۱۰].

۱. criminalization.

۲. decriminalization.

۴. تعریف دیگری حاکی است: «جرم بدون بزه دیده یا به عبارت دیگر جرم توأم با رضایت، هرگونه عملی است که صدمه مادی و فیزیکی به شخص یا دارایی وارد نمی‌کند یا عملی است که توأم با رضایت است و در حال حاضر بر مبنای قوانین موضوعه غیرقانونی نیست» [۱۱].

۵. به موجب یک تعریف دیگر: «جرم توأم با رضایت یا جرم فاقد بزه دیده، جرمی است که تمام طرفهای دخیل، در مورد وقوع آن عمل رضایت دارند و هیچ شخص ثالثی از نتایج مستقیم آن متضرر نمی‌شود» [۱۲].

۶. یکی از نویسندگان فرهنگ حقوقی لاتین، جرایم مذکور را این گونه تعریف کرده که به نظر می‌رسد تعریف مناسبتری باشد: «جرایم بدون بزه دیده معمولاً بزه دیده مستقیم ندارند یا با رضایت طرفین صورت می‌گیرند، مانند تملک مواد مخدر، روابط جنسی نامشروع همراه رضایت بین افراد بزرگسال، و روسپیگری» [۱۳، ص ۱۵۷].

دقت در تعاریف ارائه شده نشان می‌دهد که تعدادی واژه اصلی مؤثر در تعریف و به عبارت دیگر تعدادی واژه کلیدی وجود دارند که اساس این تعاریف را تشکیل می‌دهند، به طوری که برای درک درست این جرایم ابتدا باید درک صحیحی از این عناصر اساسی داشته باشیم. عناصر اساسی این تعریف عبارتند از: بزه دیده، خسارت و رضایت که در مبحث چهارم مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت، ولی قبل از پرداختن به عناصر مذکور، لازم است ارتباط جرایم بدون بزه دیده با سایر مقوله‌های سیاست جنایی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۳- ارتباط جرایم بدون بزه دیده با سایر مقوله‌های سیاست جنایی

۳-۱- جرایم بدون بزه دیده و فرایند کیفری

همان گونه که می‌دانیم صرف وقوع جرم برای شروع فرایند کیفری کافی نیست، بلکه آغاز این فرایند و به عبارت دیگر، شروع به تحقیقات و رسیدگی کیفری مستلزم وجود جهات قانونی می‌باشد. ماده ۶۵ ق.آ.د.ع.ا.ک. مصوب ۱۳۷۸ جهات قانونی برای شروع به تحقیقات و رسیدگی را بیان کرده که اولین مورد آن «شکایت شاکی خصوصی» است. گفتنی است شکایت شاکی خصوصی در مواردی است که کسی از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان شده و آن را مطالبه می‌کند [۱۴، ص ۲۰۱]. با وجود این در جرایم فاقد بزه دیده معمولاً کسی



خود را متضرر جرم نمی‌داند و نه تنها شکایتی به دادگاه ارائه نمی‌کند، بلکه اغلب نفع وی در پنهان کردن و کتمان واقعه مجرمانه است بنابراین اکثر جرایم بدون بزه‌دیده به مراجع کیفری اعلام نمی‌شوند و تبعاً دعوی کیفری هم جریان پیدا نمی‌کند [۱۵، ص ۱۸].

۲-۳- جرایم بدون بزه‌دیده و آمار جنایی

مشکلی که در مورد اعتبار بسیاری از راهکارهای ارائه شده از سوی جرم‌شناسان وجود دارد این است که این راهکارها معمولاً بر اساس «آمارهای جنایی»^۱ و با توجه به نوسانات پدیده‌های مجرمانه ارائه می‌شوند، در حالی که این آمارها همیشه دقیق و معتبر نیستند و «رقم سیاه بزهکاری»^۲ همواره اعتبار آمارهای جنایی را مخدوش کرده است. رقم سیاه عبارت از آن دسته از جرائمی است که کشف نشده و مجرمین آن شناسایی نمی‌شوند. این جرایم یا مشاهده نمی‌شوند، مثل تخلفات رانندگی، یا بسیار کم اهمیتند، مثل دزدیها، و یا اینکه توأم با رضایتند، مثل جرایم جنسی با رضایت طرفین. در واقع رقم سیاه عددی است که نسبت بین بزهکاری واقعی و بزهکاری پلیسی (ظاهری) را نشان می‌دهد [۱۶، ص ۸۶ و ۱۷، ص ۱۸۰].

ملاحظه می‌شود که جرایم بدون بزه‌دیده و جرایم توأم با رضایت طرفین، تشکیل دهنده بخش عمده‌ای از رقم سیاه بزهکاری است، و برای ارائه آمارهای جنایی دقیقتر باید به میزان این جرایم نیز توجه شود. البته تحقیقات از بزه دیدگان پنهان نیز تاکنون نتوانسته این مشکل را برطرف سازد.

۳-۳- جرایم بدون بزه‌دیده و احساس ناامنی

ترس و وحشت و احساس ناامنی همیشه و منحصرأ ناشی از جرایم خشونت‌آمیز نیست. البته طبعاً بسیاری از شهروندان به واسطه جرم، مخصوصاً جرائمی که در بردارنده یک حمله ناگهانی و اعمال خشونت باشند، هراسان می‌شوند، اما همان طور که بعضی از محققان نیز تأکید دارند، منبع دیگری هم برای هراس شهروندان و احساس ناامنی وجود دارد: ترس از مزاحمت افراد ناهنجار؛ نه افراد خشن و لزوماً جانپان، بلکه افراد ناباب، جنجالی یا غیرقابل

۱. criminal statistics

۲. dark number

پیش‌بینی، همچون متکدیان، میگساران، معتادان، نوجوانان دعوایی، روسپیها، ولگردان و افراد مختل المشاعر [۱۸، ص ۱۸۲].

اینکه احساس عدم امنیت می‌تواند ناشی از جرائمی غیر از جرایم خشونت آمیز باشد، به ویژه در مورد جرایم بدون بزه‌دیده صادق است. به عنوان مثال در روابط جنسی توأم با رضایت هر چند ممکن است «بزه‌دیده» به معنای مصطلح وجود نداشته باشد، ولی رواج این گونه روابط، احساس عدم امنیت را در خانواده‌ها، خصوصاً خانواده‌هایی که دختران و پسران نوجوان و جوان دارند، افزایش می‌دهد.

۳-۴- جرایم بدون بزه‌دیده و پیشگیری از جرم

پیشگیری از جرم همواره از مهمترین دغدغه‌های جرم شناسان و متخصصان علوم جنایی بوده است. به طور کلی امروزه پیشگیری را در دو دسته پیشگیری کیفری و پیشگیری غیرکیفری طبقه‌بندی می‌کنند و پیشگیری کیفری نیز به دو نوع پیشگیری عام (بازدارندگی عمومی) و پیشگیری خاص (پیشگیری از تکرار جرم) تقسیم می‌شود. پیشگیری غیر کیفری که پیشگیری به معنای مصطلح در جرم‌شناسی فنی و حقوقی است خود به دو نوع پیشگیری وضعی (وضعیت مدار یا موقعیت مدار) و پیشگیری اجتماعی یا خردمدار تقسیم می‌گردد [۱۹، صص ۲۸۴-۲۷۷].

هر چند همان گونه که گفته شد اندیشه و آرمان پیشگیری از جرم به طور کلی دیر زمانی است که ذهن و فکر دانشمندان علوم جنایی را به خود مشغول داشته، لکن به عقیده برخی صاحب‌نظران، از چند دهه قبل، رهیافت جدیدی سیاست جنایی در بعد پیشگیری از جرم را تحت تأثیر قرار داده که محور اصلی آن توجه و تکیه بر بزه‌دیده و به عبارت دقیقتر آماج و هدف جرم است؛ زیرا گفته شده که در وقوع یک جرم، همگرایی و تقارن سه عنصر لازم و واجب است و در غیر این صورت وقوع جرم مورد نظر ممتنع خواهد بود. این سه عنصر عبارتند از: وجود یک مرتکب با انگیزه، نبودن مانع و رادع مؤثر، و وجود یک آماج و هدف مستعد و محافظت نشده [۲۰، صص ۵۸۸-۶۰۸].



این رهیافت جدید که سعی دارد با اتکا بر این جنبه یا ضلع از مثلث اشاره شده، یعنی آماج جرم یا بزه‌دیده، به تبیین پیشگیری از جرم بپردازد در آثار جرم‌شناسان زبان فارسی تحت عنوان «پیشگیری وضعی از جرم» معرفی و معادل اصطلاح (situational crime prevention) است.

به هر حال یکی از اشکال پیشگیری وضعی، ایجاد مانع بر سر راه برقراری تماس بین «بزه‌کار بالقوه و بزه‌دیده بالقوه» است. به عنوان مثال در صورت تغییر مسیر رفت و آمد مسئولان و سرمایه‌داران، از سوء قصد به جان آنها پیشگیری خواهد شد که این روش یکی از اشکال پیشگیری وضعی است [۲۱، صص ۱۷۲-۱۴۷]. اما اتخاذ این روش پیشگیری از جرم در مورد جرایم بدون بزه‌دیده ناممکن است، چون یا اصولاً بزه‌دیده مستقیمی وجود ندارد، همانند ولگردی و تندی و یا اینکه جرم با رضایت طرفین واقع می‌شود و طرفین با میل و رغبت با یکدیگر تماس برقرار می‌کنند و بنابراین تمایلی برای همکاری با متولیان امر پیشگیری وضعی ندارند [۹، ص ۶۰۵].

۳-۵- جرایم بدون بزه‌دیده و عدالت ترمیمی

همان طور که قبلاً گفتیم امروزه توجه جرم‌شناسان و دانشمندان علوم جنایی به بزه‌دیده و خسارت‌های مادی و معنوی وارد بر او معطوف شده و تلاش‌های زیادی برای جبران خسارت بزه‌دیدگان و به عبارت دیگر، خسارت زدایی از قربانیان صورت گرفته و در همین راستا نظریه «عدالت ترمیمی»^۱ مطرح شده است. به عقیده طرفداران این نظریه: «عدالت ترمیمی از این اندیشه دفاع می‌کند که رفتار مجرمانه قبل از هر چیز باید تجاوز یک فرد به فرد دیگر تلقی شود. وقتی جرمی ارتکاب می‌یابد، بزه‌دیده صدمه می‌بیند، نه دولت؛ و به جای اینکه بزه‌کار به جامعه بدهی داشته باشد و با تحمل کیفر تعیین شده توسط دولت این بدهی تصفیه شود، در واقع بزه‌کار به بزه‌دیده بدهی دارد که باید به رفع و ترمیم صدمات ناشی از جرم پرداخته شود [۲۲، ص ۱۸۱].

۱. restorative justice

نظریه عدالت ترمیمی امروزه طرفداران زیادی پیدا کرده و حتی بعضی از صاحب نظران، مدعی جایگزینی عدالت ترمیمی به جای عدالت کلاسیک هستند [۲۲، ص ۳۵ و ۲۴، ص ۴]؛ اما نکته اصلی این است که عدالت ترمیمی مبتنی بر توجه به بزه دیده و خسارت وارد بر او است، ولی آیا این سیاست در مورد جرایم فاقد بزه دیده هم قابل اجرا است؟ به عبارت دیگر در این دسته از جرایم «بزه دیده» کیست و خسارتی که باید «ترمیم» شود کدام است؟ [۲۵، ص ۱۰۰].

۴- تبیین عناصر اصلی جرایم بدون بزه دیده

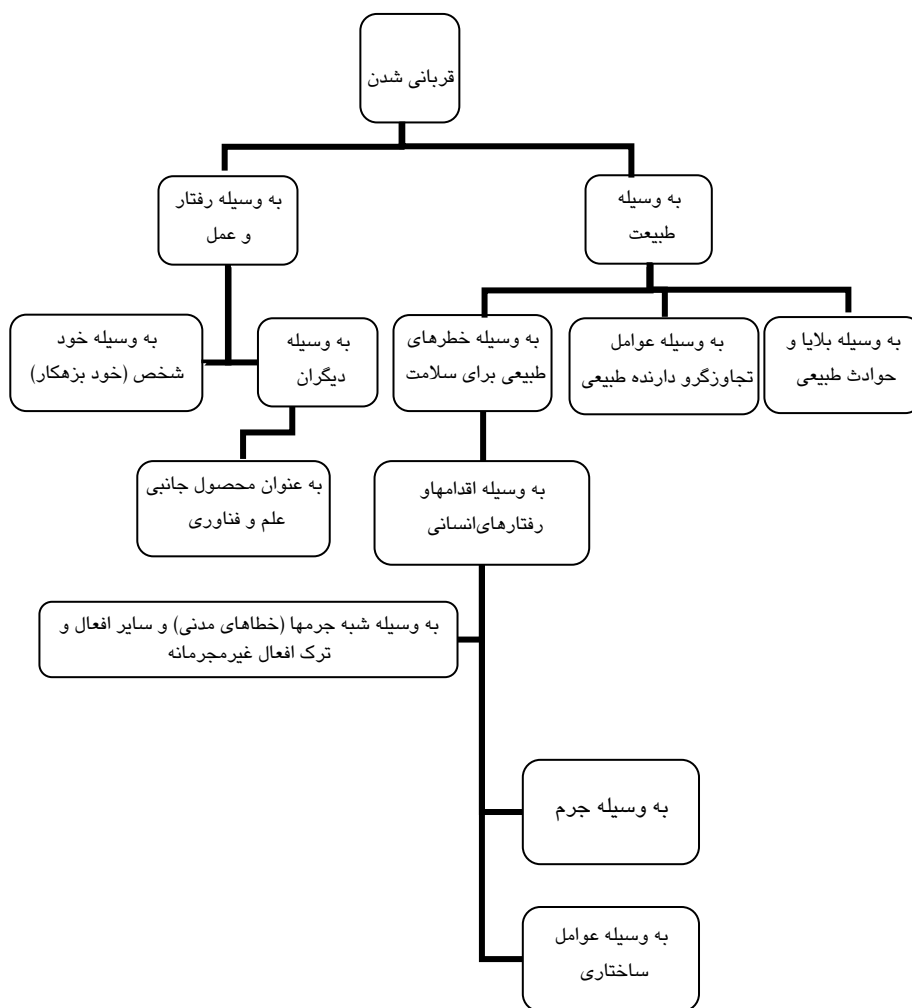
۴-۱- بزه دیده

به عقیده دو نفر از صاحب نظران جرم شناسی: «بزه دیده کسی است که خسارت قطعی، آسیبی به تمامیت شخصی او وارد آورده و اکثر افراد جامعه هم به این مسأله اذعان دارند» [۲۶، ص ۹۶]. همچنین براساس نظر سازمان ملل متحد (۱۱ دسامبر ۱۹۸۵/۳۸ A/RES/A):

بزه دیدگان کسانی هستند که به طور فردی یا گروهی متحمل خسارت شده‌اند. این خسارت به ویژه در زمینه‌های مربوط به آسیب به تمامیت جسمی یا روانی، رنج روحی، خسارت مادی و وارد شدن لطمه بزرگ به حقوق اساسی افراد است. این خسارت ناشی از افعال یا ترک افعالی است که:

(۱) قوانین جزایی یک دولت عضو را نقض می‌کند، (۲) نشان دهنده تخلف از مقررات حقوقی است که در زمینه حقوق بشر برای بزه دیدگان جرایم از یک طرف، و برای سوء استفاده از قدرت، از طرف دیگر در سطح بین‌المللی شناخته شده‌اند [۲۶، ص ۹۶].

بی تردید بزه دیدگی از علل و عواملی ناشی می‌شود که بدون وجود آن اسباب و علل، بزه دیدگی تحقق پیدا نمی‌کند. البته در مورد اینکه علل و اسباب بزه دیدگی کدامند وحدت نظر وجود ندارد و شیوه‌های مختلفی برای تبیین و توجیه این علل ارائه شده که در اینجا به نمودار ترسیم شده توسط عزت عبدالفتاح اشاره می‌کنیم که تا حدود زیادی راهگشا است و عوامل و شیوه‌های اصلی و معمولی بزه دیدگی را معرفی می‌کند [۲۷، ص ۶]:



عوامل و شیوه‌های مختلف قربانی شدن انسان

۱. قربانی شدن طبیعی: قربانی شدن با نیروها، عناصر، مواد و ارگانیسمهای طبیعی.
 ۲. خود قربانی کردن: قربانی کردن به دست خود یا در نتیجه اقدامهای خود.
 ۳. قربانی شدن صنعتی / فناورانه: قربانی شدن به وسیله مواد مصنوعی و فرآورده‌ها و به وسیله شرایط و تغییرات ایجاد شده در محیط زیستی - فیزیکی با اقدامهای مردم.
 ۴. قربانی شدن ساختاری: قربانی شدن به وسیله جامعه، فرهنگ، دولت، نظام عدالت کیفری و
 ۵. قربانی شدن مجرمانه: قربانی شدن به وسیله جرم و اعمالی که در قانون قابل مجازات است (بزه دیدگی).
 ۶. قربانی شدن غیر مجرمانه: قربانی شدن به وسیله شبه جرمها و سایر افعال و ترک افعال غیرمجرمانه [۲۷، ص ۷].
- اما در مورد طبقه بندی انواع بزه دیدگان باید دانست که در این باره دو نوع دسته بندی وجود دارد:
۱. طبقه بندی بزه دیده شناختی جرائم، یعنی بررسی وضع بزه دیده در ساختار جرم طبقه بندی ای که ریموند گسن در این مورد ارائه داده حاکی است که از این لحاظ جرایم چهار نوع هستند:
اول) جرایم علیه بزه دیدگان حقیقی
دوم) جنایات علیه بزه دیدگان اعتباری مانند نظم عمومی، بهداشت و سلامت عمومی و اخلاق حسنه (ادب).
 - سوم) جنایات علیه بزه دیدگان بالقوه، مانند رفتار در حالت مستی که فی نفسه قربانی حقیقی ندارد، اما احتمال بروز حادثه ناشی از رانندگی در آن قوی است.
 - چهارم) جنایات بدون قربانی، یعنی اعمال غیراخلاقی که موجب هیچ خسارت قابل تشخیص برای اشخاص ثالث نیست، مانند فحشا یا استعمال مواد مخدر (۲۸، ص ۱۹۵).
 ۲. طبقه بندی بزه دیدگان بر مبنای نقش آنها در ارتکاب جرم بنیامین مندلسون که از او به عنوان بنیان گذار بزه دیده شناسی ثانوی (حمایتی) یاد می شود در تحقیقات خود پنج دسته اصلی از بزه دیدگان را نام می برد:
۱. بزه دیده کاملاً بیگناه که می توان وی را «بزه دیده آرمانی» توصیف کرد؛ یعنی بزه دیده ناآگاه، مانند کودک بزه دیده.
۲. بزه دیده با حداقل تقصیر (بزه دیده جهل) مانند زنی که با توسل به وسایل تجربی



موجبات یک زایمان ناقص را فراهم می‌آورد و با از دست دادن جاننش، سزای جهل و نادانی‌اش را می‌بیند.

۳. بزه‌دیده با مسئولیت مجرمانه همسان با مجرم یا بزه دیده آگاه و مختار، شامل:

الف) کسی که به خاطر شرط بندی مرتکب خودکشی می‌گردد که برخی قوانین کیفری برای آن مجازات تعیین کرده‌اند.

ب) خودکشی مبتنی بر الحاق (خودکشی به خاطر الحاق به یک آرمان، عقیده، مرام و...).

ج) بزه‌دیده‌ای که به یک بیماری لاعلاج مبتلا است و نمی‌تواند دردها را تحمل کند و لذا به اطرافیان خود التماس می‌کند به زندگی‌اش پایان دهند (قتل از روی ترحم).

د) زن و شوهری که مبادرت به خودکشی می‌کنند: عشاق ناامید یا همسر تندرست که همراه همسر بیمارش، خود را می‌کشد، چون نمی‌تواند رنج کشیدن همسرش را ببیند و نمی‌خواهد بعد از مرگ وی زندگی کند.

۴. بزه‌دیده‌ای که بیش از بزه‌کار یا به تنهایی مقصر است، شامل:

الف) بزه دیده محرک که با رفتار خود مجرم را به ارتکاب جرم تحریک میکند.

ب) بزه دیده بی احتیاطی که به خاطر نداشتن تسلط بر خود موجب وقوع تصادف می‌شود.

۵. بزه‌دیده با مسئولیت مجرمانه تام، شامل:

الف) بزه‌دیده مجرم، یعنی کسی که ابتدا به دیگری هجوم می‌برد و به واسطه دفاع مشروع شخص مورد هجوم به قتل می‌رسد و بزه‌دیده واقع می‌شود.

ب) بزه دیده تصنعی، یعنی بزه‌دیده‌ای که در مقام شاکی، متهم را تحت فشار قرار داده، او را تهدید می‌کند تا دادگاه را به اشتباه ببنداند.

ج) بزه دیده تخیلی، یعنی شاکی مبتلا به پارانویا؛ (مانند فردی که به طور غیرواقعی می‌پندارد دیگری به او آسیب رسانیده و در صدد جبران برمی‌آید، یا فردی که رفتارها و گفتارهای دیگری را بر ضد خود تعبیر و تفسیر می‌کند و یا کسی که به خاطر عدم تعادل روانی از شکایت کردن و مرافعه لذت می‌برد. شاکی دروغ پرداز، سالخورده، کودک (به ویژه دختران) یا نوجوانان در حال بلوغ از این دسته است [۲۶، صص ۵۲ - ۵۴].

استافن شافر، یکی دیگر از جرم‌شناسان، ضمن ملاحظه میزان مسئولیت بزه دیدگان، آنها را به هفت گروه تقسیم کرده است: بزه‌دیدگان غیرمرتبط با جرم، بزه‌دیدگان محرک، بزه‌دیدگان اغواگر، بزه‌دیدگان ناتوان جسمی، بزه‌دیدگان ضعیف اجتماعی، بزه‌دیدگان سیاسی، قربانیان خود بزه‌دیدگی [۲۹، ص ۱۵۸].

اما صرف نظر از علل و شیوه‌های بزه‌دیده واقع شدن و همچنین از طبقه بندی انواع بزه‌دیدگان، نکته مهم و اساسی که باید مورد بررسی قرار گیرد این است که «بزه‌دیده» کیست؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند به درک درست از مفهوم «بزه‌دیده» و به تبع آن، فهم صحیح از مفهوم «جرم بدون بزه‌دیده» کمک کند.

تردید نیست هنگامی که از "بزه‌دیده" به طور مطلق سخن گفته می‌شود این عنوان به فرد اجزای آن، یعنی شخص حقیقی که مستقیماً از وقوع جرمی صدمه جسمی، مالی و معنوی دیده اطلاق می‌شود؛ چرا که به قول علمای اصول «المطلق عند الاطلاق ینصرف الی الفرد الاتمّ الأکمل». بنابراین شخص ثالث حقیقی (بزه‌دیده مستقیم) اولین پاسخی است که به پرسش اخیر داده می‌شود. اما سؤال اساسی‌تر این است که «بزه‌دیده» صرفاً منحصر به همین مورد است یا اینکه جرم می‌تواند بزه‌دیدگان دیگری هم داشته باشد؟ آیا هنگامی که جرم «تجاوز به عنف»^۱ علیه یک زن صورت می‌گیرد، تنها همان زن که مستقیماً متحمل درد و رنج جسمی و روحی شده بزه‌دیده محسوب می‌شود و خانواده، همسر، پدر و مادر و فرزندان - حتی به طور غیرمستقیم - از وقوع این بزه متضرر و متأثر نمی‌شوند؟ آیا هنگامی که در یک محله یا در یک کوچه، جرم «ورود غیر مجاز به ملک دیگری»^۲ و متعاقباً «قتل عمد»^۳ واقع می‌شود فقط خود قربانی و اولیای دم او بزه‌دیده محسوب می‌شوند و اعضای دیگر فامیل، بستگان، دوستان و خصوصاً اعضای آن محله و کوچه دچار هیچ گونه ترس و وحشت و ناامنی نمی‌شوند و به صورت غیر مستقیم بزه‌دیده به حساب نمی‌آیند؟ آیا هنگامی که کسی به خودش صدمه زده خود را مجروح یا حتی خودکشی می‌کند و خود را در دام اعتیاد می‌اندازد، چون شخص «ثالثی» مستقیماً متحمل خسارت نمی‌شود، بنابراین بزه‌دیده هم وجود ندارد؟ و آیا هنگامی که قواعد اخلاقی و هنجارهای مورد قبول جامعه زیر پا گذاشته می‌شود - به عنوان مثال، در یک جامعه دینی، به مقدسات مذهبی توهین می‌شود - چون شخص ثالث حقیقی مستقیماً متحمل خسارت نمی‌شود بزه‌دیده‌ای وجود ندارد و آیا اعتراضات شدید اعضای جامعه به این نوع اعمال، در قالب محکوم کردن، تظاهرات و... بدون دلیل صورت می‌گیرد؟

۱. rape

۲. trespass

۳. murder



به نظر می‌رسد در پاسخ به این سؤالات باید قدری تأمل کرد؛ زیرا درست است «بزه‌دیده» غالباً و معمولاً شخص یا اشخاصی هستند که مستقیماً از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان شده‌اند، لکن این حقیقت را نباید نادیده گرفت که در موارد زیادی خانواده، اقوام، بستگان، دوستان، اعضای محله و حتی کل جامعه از وقوع یک جرم متضرر شده، بزه‌دیده به حساب می‌آیند، به علاوه در مواردی هم خود بزه‌کار، بزه‌دیده محسوب می‌شود. بنابراین هنگامی که جرمی واقع می‌شود از چند حالت خارج نیست:

- شخص حقیقی بزه‌دیده است (بزه‌دیده مستقیم)،

- خانواده، اقوام، بستگان و جامعه محلی بزه‌دیده است (بزه‌دیده مرتبط)،

- جامعه به طور کلی بزه‌دیده است (بزه‌دیده غیرمستقیم)،

- خود بزه‌کار، بزه‌دیده است (بزه دیده بزه‌کار).

وجود بزه‌دیدگان متعدد بعضاً مورد توجه نویسندگان دیگری هم قرار گرفته است. به گفته یکی از این محققان که در زمینه اعتیاد به مواد مخدر تحقیق کرده، بزه‌دیده مستقیم اعتیاد، در وهله نخست شخص معتاد و در درجه دوم خانواده او می‌باشد. بزه‌دیده غیر مستقیم نیز کانون خانوادگی ملی، یعنی کشور در تمام ابعاد اقتصادی، فرهنگی و امنیتی می‌باشد کما اینکه ارزشهای انسانی و در یک محدوده وسیع، بشریت و همه آرمانهای عالی او می‌تواند بزه‌دیده محسوب شود [۳۰، ص ۳۱۸].

مشابه این نظر در مورد جرم هرزه‌نگاری هم از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است.

۴-۲- خسارت

عنصر دیگر مؤثر در تعریف جرایم بدون بزه‌دیده، مفهوم ضرر و زیان یا خسارت است. مسأله خسارت و خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان از مهمترین دغدغه‌های جرم‌شناسان در دهه‌های اخیر بوده، به گونه‌ای که تلاش و اهتمام حقوقدانان، مجریان و متصدیان دستگاه عدالت کیفری از سطوح داخلی فراتر رفته و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی منجر به انعقاد اسناد و کنوانسیونهای منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه خسارت‌زدایی از قربانیان جرم شده است [۳۱، ص ۵۹].

اهمیت این مسأله از آنجا ناشی می‌شود که بزه‌دیدگی اغلب با ورود ضرر و زیان بر بزه‌دیده ملازمه دارد و جبران خسارت امری ضروری و مورد تأیید عقل و شرع است و

اساساً در تهیه و تنظیم یک سیاست جنایی واقع‌گرا و مؤثر نمی‌توان به آن بی‌اعتنا بود [۳۲، ص ۳۹].

اما خسارت، ضرر یا زیان، یعنی چه و انواع آن کدام است؟ به عقیده بعضی از نویسندگان، «ضرر در لغت به معنای گزند، نقصان، زیان و مقابل نفع است و زیان به معنای خسارت، ضرر و ضد سود می‌باشد» [۳۳، ص ۳۱۲].

عده‌ای دیگر، تعریف مناسبتری ارائه کرده‌اند: دو کلمه «ضرر» و «زیان» از لحاظ لغوی مترادف یکدیگرند. این دو لغت در قوانین آیین دادرسی کیفری ایران در معنای مترادف به کار رفته‌اند. از آنجا که واژه «خسارت» در فرهنگ لغات فارسی به صورت مشترک، برای هر دو لفظ «ضرر» و «زیان» استعمال می‌شود، چنانچه بخواهیم معادلی برای این دو لفظ بیابیم، واژه «خسارت» مناسبتر به نظر می‌رسد [۳۴، ص ۱۴۰].

در مورد انواع خسارت یا ضرر و زیان، قسمت دوم ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مقرر می‌دارد: «ضرر و زیان قابل مطالبه به شرح ذیل می‌باشد: (۱) ضرر و زیانهای مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است، (۲) منافی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می‌شود». با این وصف، بعضی از حقوقدانان معتقدند خسارت اعم است از خسارت مادی، خسارت معنوی، منافع فوت شده و خسارت جسمانی:

- خسارت مادی، خسارتی است که بر اثر ارتکاب جرم به اموال و دارایی مجنی علیه وارد می‌شود.

- منافع فوت شده محروم شدن شخص از منافی است که عادتاً انتظار آن را دارد و «منافع فائته» نامیده می‌شود.

- خسارت جسمانی عبارت است از لطمه‌های وارد به تمامیت جسمانی از قبیل جرح، نقص یا قطع عضو.

- خسارت معنوی عبارت است از ضرر و زیان وارد شده به شهرت، حیثیت و آبرو، آزادی، معتقدات مذهبی، زیبایی، احساسات و عواطف و علائق خانوادگی» [۱۴، ص ۲۰۷ و ۳۵، ص ۳۹].

در مورد خسارت مادی، خسارت جسمانی و حتی منافع فائته (منافع ممکن الحصول) بحث چندانی وجود ندارد، اما در مورد خسارت معنوی دقت بیشتری لازم است. چنانچه به تعاریفی که در اوایل بحث از بعضی نویسندگان در مورد جرایم فاقد بزه‌دیده ذکر گردید، دقت شود این نکته آشکار خواهد شد که این نویسندگان در تعریف این دسته از جرایم به عدم ورود خسارت



به اشخاص ثالث توجه کرده‌اند. عبارتهایی نظیر «خسارت قابل تشخیص» در تعریف دوم و همچنین «صدمه مادی یا فیزیکی به شخص یا دارایی» در تعریف چهارم بیان‌گر این مطلب می‌باشد.

در مورد خسارت معنوی ذکر چند نکته ضروری است:

اول آنکه بعضی از جرایم ممکن است علاوه بر خسارت مادی یا خسارت جسمانی، خسارت معنوی هم در پی داشته باشند که این خسارات نه تنها حایز اهمیت است و نباید مورد غفلت واقع شود، بلکه در بسیاری از موارد، لطمه به آبرو، آزادی، شهرت، احساسات و عواطف و علائق خانوادگی و... برای بزه‌دیده دردناکتر و تحمل آن مشکلتر از خسارت مادی است.

دوم اینکه خسارت معنوی مفهوم وسیعی دارد و موارد زیادی را در بر می‌گیرد و با توجه به آنچه در مورد انواع بزه‌دیدگان (مستقیم، مرتبط و غیرمستقیم) گفته شد به نظر می‌رسد کمتر جرمی است که هیچ خسارت مادی، جسمانی یا معنوی را در بر نداشته باشد و بزه‌دیده‌ای از آن متضرر نشود.

سوم اینکه خسارت معنوی، قابل تقویم به پول نیست و استیفای آن با مشکلاتی مواجه است. البته این مطلب بدین معنا نیست که خسارت معنوی نباید جبران شود، بلکه هدف این است که هیچ غرامت و عوضی نمی‌تواند لطمه وارد بر آبرو و حیثیت و عواطف انسان را جبران کند و اگر چیزی به بزه‌دیده پرداخت شود از باب ترمیم و مرهم نهادن است و نه از باب جبران قطعی آن.

چهارم اینکه خسارت معنوی ناشی از جرم، طیف وسیعتری از افراد را در بر می‌گیرد و تعداد کسانی که از وقوع جرم متحمل خسارت معنوی می‌شوند بسیار زیاد است، لکن این مطلب بدین معنا نیست که تمام کسانی که از وقوع جرم متحمل خسارت معنوی شده‌اند می‌توانند به عنوان مدعی خصوصی، مطالبه خسارت کنند، چون مطالبه خسارت مستلزم شرایط خاصی می‌باشد. همان طور که یکی از صاحب‌نظران حقوق کیفری گفته است: «اگر آثار زیانبخش جرم را با افق دید وسیعتری بنگریم ملاحظه می‌کنیم که از وقوع جرم افراد زیادتری متحمل ضرر و زیان می‌شوند، بخصوص ضرر و زیان معنوی و صدمات روحی، بسیاری از افراد جامعه را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. عابری که از خیابان می‌گذرد و صحنه یک تصادف ساده رانندگی و مرگ و میر عده‌ای را می‌بیند ناخودآگاه از آن متأثر و ناراحت می‌شود و به میزانی، ولو بسیار کم، متحمل صدمه روحی می‌گردد و معنأ متضرر می‌شود. بدون تردید، اغلب ناظران صحنه‌های دلخراش جرمهایی چون قتل عمدی، غارت و

هتک ناموس به عنف، روحاً ناراحت و متأثر می‌شوند. حتی مطالعه اخبار مربوط به جنایات مهم در روزنامه‌ها، مجله‌ها و مشاهده صحنه‌های بزه در تلویزیون، پرده‌های سینما، سن‌های تأثر و شنیدن وقایع بزه‌های هولناک از رادیو و سایر رسانه‌های گروهی آثار روحی و معنوی نامطلوب در خواننده، بیننده و شنونده به جا می‌گذارد. کلیه این افراد از وقوع جرم معنأ متضرر می‌گردند؛ ولی آیا همه اینان می‌توانند به عنوان مدعی خصوصی، ضرر و زیان معنوی مطالبه کنند؟ [۳۲، ص ۲۸۵].

بنابراین از لحاظ منطق ساده عقلی نمی‌توان قبول کرد هر متضرر معنوی و هر متحمل صدمه روحی بتواند مدعی خصوصی باشد؛ زیرا در این صورت، تعداد مدعیان خصوصی یک جرم بیش از حد تصور خواهد شد و بسیاری از افراد جامعه امکان خواهند یافت خود را متضرر از جرم قلمداد کنند، بنابراین باید قلمرو آن محدودتر باشد. با وجود این همان گونه که تحمل خسارت معنوی از سوی افراد بی‌شمار، مجوز مطالبه خسارت از جانب آنان نیست، عدم جواز مطالبه خسارت معنوی از جانب افراد بی‌شمار نیز به معنای عدم تضرر معنوی آنان از جرم نیست، بلکه علی‌رغم فقدان حق مطالبه خسارت، آنان در عالم واقع همچنان بزه‌دیده محسوب می‌شوند.

۳-۴- رضایت در جرم^۱

عنصر دیگری که از تعاریف ارائه شده در مورد جرایم بدون بزه‌دیده استنباط می‌شود، عنصر رضایت است. در این جرائم، وجود رضایت طرفهای درگیر در جرم بسیار مهم است تا جایی که بعضی از صاحب‌نظران به جای اصطلاح «جرایم بدون بزه‌دیده»، «جرایم توأم با رضایت»^۲ را به کار می‌برند.

در مورد رضایت چند مطلب باید مورد بررسی قرار گیرد:

الف) مفهوم رضایت: رضایت عبارت است از اجازه و اذن آگاهانه و توأم با آزادی شخص برای انجام عملی علیه او، مانند تجاوز به سلامت و جان و یا مال و حیثیت او [۳۶، ص ۲۴ و ۳۷، ص ۳۳۵].

۱. consent in crime.

۲. consensual crimes.



البته هنگامی که از جرایم توأم با رضایت بحث می‌کنیم، موضوع مهم، احراز اهلیت طرفهای دیگر برای رضایت واقعی است. رضایت طرفهای درگیر در جرم در موارد زیر فاقد ارزش و یا لااقل قابل خدشه است [۱۲]:

۱. حیوانات،
 ۲. اطفال (زیر سن رضایت قانونی)،
 ۳. بیماران روانی شدید،
 ۴. کسانی که در مورد موضوع جرم اطلاع کافی ندارند،
 ۵. کسانی که از نوسانات روانی رنج می‌برند،
 ۶. کسانی که تحت تأثیر اجبار عمل می‌کنند،
 ۷. معتادان.
- در نظام حقوقی کشور ما نیز موارد زیر را می‌توان از علل زایل کننده رضایت در جرم به حساب آورد:

(۱) صغر،	(۲) جنون،
(۳) خواب،	(۴) بیهوشی،
(۵) اجبار،	(۶) اکراه،
(۷) اشتباه،	(۸) مستی،

بنابراین در صورت وجود یکی از این موارد نمی‌توان گفت که مرتکب از رضایت در جرم برخوردار بوده است.

(ب) مطلب دیگر این است که آیا اساساً رضایت به ارتکاب جرم - به فرض وجود رضایت کامل - معتبر است یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا تراضی طرفین می‌تواند مجوزی برای زیر پا گذاشتن قواعد آمره باشد؟ آیا افراد می‌توانند با تراضی خود قوانین راجع به ممنوعیت دوئل کردن یا قمار بازی را زیر پا گذاشته و با یکدیگر دوئل کنند یا دست به قمار بازی بزنند؟ آیا در صورتی که جرم تجاوز به عفت با رضایت مجنی علیه به عمل آمده باشد، این رضایت می‌تواند در مسئولیت مرتکب مؤثر باشد؟

در پاسخ باید گفت از نظر منطقی، تقصیر و مسئولیت جزایی در صورتی می‌تواند منتفی باشد که مجازات صرفاً برای حفظ منافع خصوصی تشریح و تأسیس شده باشد، زیرا در این صورت با وجود انصراف ذی‌نفع از حق خود، موردی برای تعقیب و مجازات متجاوز وجود ندارد؛ اما به طوری که می‌دانیم غرض از تأسیس و تشریح مجازات حفظ نظم و منافع و حقوق عمومی است. زیان دیده اصلی از جرم جامعه است نه فرد و در وقوع جرم، جامعه متضرر اصلی است، نه بزه‌دیده. بنابراین اصولاً رضایت مجنی، علیه در تقصیر و مسئولیت کیفری تأثیری ندارد [۳۸، ص ۳۵۰].

از آنچه تاکنون در مورد بررسی و مطالعه واژه‌های سه‌گانه «بزه‌دیده»، «خسارت» و «رضایت» گفته شد به دست می‌آید که: اولاً جرمی بدون «بزه‌دیده» وجود ندارد، زیرا هر جرمی خواه ناخواه بزه‌دیده دارد که یا بزه دیده مستقیم است یا بزه‌دیده مرتبط و یا بزه‌دیده غیرمستقیم و یا اینکه خود بزه‌کار، بزه‌دیده است. بنابراین جرم «فاقد بزه‌دیده» وجود ندارد. حتی کسانی که این اصطلاح را به کار می‌برند، منکر این مطلب نیستند، بلکه هنگامی که این اصطلاح را استعمال می‌کنند، مراد آنها جرائمی است که بزه دیده مستقیم ندارد. بنابراین به نظر می‌رسد حتی از دید کسانی که معتقد به وجود چنین جرائمی هستند هم عنوان «victimless crimes» صحیح نیست و باید اصطلاح «crimes without direct victim» را به کار ببرند.

ثانیاً با توجه به مفهوم خسارت و انواع آن، مخصوصاً خسارت معنوی که زیان دیدگان بیشتری دارد، این نکته معلوم می‌شود که جرمی بدون خسارت وجود ندارد. حال این خسارت یا به صورت جسمانی است، یا مادی و یا به صورت منافع فائده و یا اینکه خسارت معنوی است.

ثالثاً در مورد رضایت باید گفت در بسیاری از جرائمی که تحت عنوان جرایم فاقد بزه‌دیده شناخته می‌شوند علاوه بر اینکه طرفهای درگیر در جرم - خصوصاً اطفال، مجانین، و معتادان - به معنای واقعی و صحیح رضایت ندارند، بلکه حتی در صورت وجود رضایت هم نباید این رضایت را معتبر دانست، چون تراضی افراد برای نقض قواعد آمره فاقد اعتبار است و به نظر می‌رسد در مورد «جرایم توأم با رضایت» اطلاق عنوان «جرایم فاقد بزه‌دیده» نوعی مغالطه



است و اصطلاح صحیح‌تر در این مورد، «بزهکاری متقابل» است، چرا که طرفهای جرم متقابلاً هر کدام بزهکار محسوب می‌شوند.

رابعاً با توجه به مطالب گفته شده، روشن شد که جرایم توأم با رضایت، «جرایم بدون بزه‌دیده» نیست و عنوان «جرایم فاقد بزه‌دیده» اصولاً صحیح نیست تا تعریفی از آن ارائه شود. در مورد تعریف «جرایم فاقد بزه‌دیده» هم که مراد اصلی محققان از استعمال عنوان «victimless crimes» است، بهترین تعریف، تعریفی است که ادوین شور ارائه داده است:

«جرایم فاقد بزه‌دیده جرایمی هستند که هیچ بزه‌دیده مشخصی ندارند» [۸، ص ۲۸]. که در این تعریف، منظور وی از «بزه‌دیده مشخص» همان «بزه‌دیده مستقیم» است.

به هر حال در کنار مفهوم «جرم بدون بزه‌دیده» یا به عبارت صحیح‌تر «جرم بدون بزه‌دیده مستقیم» مفهوم دیگری وجود دارد که «قربانی بدون جرم» نامیده می‌شود و آن در مواردی است که کسی در نتیجه علل طبیعی، همانند سیل، زلزله و طوفان ... قربانی می‌شود و یا اینکه کسی در نتیجه اعمال انسانی قربانی می‌گردد، لکن این اعمال دارای مجوز قانونی است و وصف مجرمانه ندارد. نمونه‌های بارز این اعمال، دفاع مشروع، حکم قانونی، ضرورت، و اضطرار است. در اینگونه موارد ممکن است کسی در نتیجه عمل انسانی قربانی شود، در حالی که آن عمل دارای مجوز قانونی است و جرم محسوب نمی‌شود.

همچنین در کنار این مفهوم، مفهوم سومی هم وجود دارد که ما از آن تحت عنوان «قربانی در نتیجه عمل شخص غیر مسئول» یاد می‌کنیم و مراد این است که در مواردی «قربانی» وجود دارد و رفتار ناقض متن قانون جزایی هم صورت گرفته است، اما «فاعل» شخص غیر مسئول است، مانند مواردی که صدمه و خسارت جسمانی، مادی و یا معنوی از جانب افرادی صورت می‌گیرد که قانوناً مسئولیت کیفری ندارند. مثلاً شخص دیوانه‌ای با زدن سنگ بر سر شخصی موجب قتل یا جراحت او را فراهم می‌آورد و یا کودک غیر ممیزی مال شخصی را می‌رباید و یا اینکه شخصی در خواب به فرد دیگری فحش و ناسزا گفته به او اهانت می‌کند که در همه این موارد «قربانی» وجود دارد، ولی طرف مقابل او از لحاظ قانونی مسئولیت کیفری در ارتکاب جرم ندارد.

۵- مصادیق جرایم بدون بزه دیده

صاحب نظرانی که در مورد جرایم فاقد بزه دیده تحقیق کرده اند موارد زیادی از جرایم را مشمول این عنوان دانسته اند. این محققان برای سهولت کار، مصادیق جرایم فاقد بزه دیده را در چند دسته کلی طبقه بندی کرده اند. بعضی دیگر از نویسندگان بدون اشاره به طبقه جرایم بدون بزه دیده، این نوع جرایم را تحت عنوان خاص دیگری مورد بررسی قرار داده اند. البته بدیهی است که مصادیق جرایم فاقد بزه دیده در نظامهای حقوقی کیفری کشورهای مختلف، بر حسب تلقی آنها از جرایم بزه دیده و نیز جرم انگاری بعضی از اعمال در قوانین جزایی آنها، متفاوت است.

در این مبحث ابتدا به بیان مصادیق جرایم بدون بزه دیده در حقوق کیفری امریکا، به عنوان نمونه می پردازیم و سپس مصادیق این جرایم را در حقوق داخلی کشورمان توضیح خواهیم داد.

۵-۱- مصادیق جرایم بدون بزه دیده در حقوق کیفری امریکا

در نظام کیفری امریکا، علاوه بر سه دسته از جرائم، یعنی جرایم علیه اشخاص، جرایم علیه اموال و مالکیت، و جرایم علیه امنیت، دسته ای دیگر از جرایم مورد توجه مقنن واقع شده و در طبقه بندی جداگانه ای قرار گرفته اند که یا فاقد بزه دیده هستند و یا بزه دیده معینی ندارند و بنابراین از مصادیق جرایم بدون بزه دیده محسوب می شوند.

«جان اسچب» در کتاب حقوق کیفری امریکا، پس از توضیح جرایم علیه اشخاص، اموال و امنیت، در سه فصل دیگر از کتاب خود، جرایم علیه اخلاق و عفت عمومی (از قبیل قماربازی، نمایشهای خلاف عفت و اعمال مستهجن و بیشرمانه)، جرایم مربوط به مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر و جرایم علیه بهداشت عمومی و محیط زیست را مورد توجه و بررسی قرار داده است [۳۹، صص ۱۸۴، ۲۱۲، ۲۵۵].

در این نوع جرائم، گرچه شخص یا اشخاص خاصی مستقیماً به عنوان قربانی در معرض آسیب نیستند، اما، به طور غیرمستقیم، آثار و عواقب ارتکاب جرایم مذکور متوجه شهروندان و جامعه است، و همین امر، موجب جرم انگاری آن اعمال گردیده، و دادستان هر شهر یا

ایالت و در بعضی موارد مسئولین بعضی از اشخاص حقوقی نیز موظف به طرح دعوا و تعقیب و پیگیری این اعمال شده‌اند.

یکی از صاحب نظران حقوق کیفری امریکا، مصادیق جرایم بدون بزه دیده را به شرح زیر

در جدول ۱ طبقه بندی کرده است [۴۰]:

جرایم حمایت کننده سلامتی	مقررات حمایت کننده از جوانان	ممنوعیتهای جنسی	سایر موارد
قانون ممنوعیت مصرف مواد مخدر	منع عبور و مرور در ساعات معین	قوانین راجع به لواط	مقررات مربوط به هرزه نگاری اطفال
مقررات مربوط به کمربند ایمنی	ممنوعیت آموزشهای جنسی عملی	قوانین راجع به ابتذال جنسی	مصادره تمام اموال بدون محاکمه (در قوانین موادمخدر)
مقررات مربوط به کلاه ایمنی موتورسواران	محدودیتهای پوشاک در مدارس	ممنوعیت برهنگی	مقررات مربوط به ولگردی
مقررات مربوط به ممنوعیت پریدن از مکانهای مرتفع یا اعمال مشابه	ممنوعیت مصرف الکل و تنباکو	ممنوعیت فحشا	قوانین مربوط به محدودیت حمل سلاح
	ممنوعیت فعالیتهای جنسی (شهوانی)	قوانین راجع به جلب مشتریان جنسی	قوانین مربوط به نقص مقررات دفتری
	عدم صلاحیت برای دریافت کارت اعتباری یا انعقاد قرارداد	تعقیب آزارخواهی جنسی توأم با رضایت	مقررات راجع به گواهینامه رانندگی
	اقدامات اولیای اطفال (به عنوان اقدام تأمینی و تربیتی)	محدودیت اسقاط جنین	مقررات مربوط به مجوز شغلی و حرفه ای
	مقررات مربوط به سن رضایت اطفال برای اعمال جنسی	ممنوعیتهای مشاوره برای اسقاط جنین	محدودیتهای معاملات و صادراتی
		محدودیتهای مربوط به پیشگیری از آبستنی	مقررات مربوط به حداقل درآمد
			مقررات ترافیکی



۵-۲- مصادیق جرایم بدون بزه دیده در حقوق کیفری ایران

با توجه به اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قوانین جزایی کشورمان تحت تأثیر احکام فقهی اسلام، دچار تحولات عمده شده و جرایم و مجازاتهای شرعی، در نظام تقنینی پذیرفته شده‌اند، دسته‌ای از اعمال که مستقیماً صدمه و خسارتی را متوجه کسی نمی‌کنند و به لحاظ نظم عمومی نیز در نظامهای حقوق کیفری عرفی، جزء اعمال مخل نظم عمومی محسوب نمی‌شوند در حال حاضر، طبق قوانین کشورما، عنوان مجرمانه یافته‌اند.

لازم به ذکر است که نوعاً در کتب فقهی، جرایم برحسب مجازاتها طبقه‌بندی شده‌اند که شامل حدود، قصاص، تعزیرات و دیات هستند، بنابراین جرایم نیز به همین ترتیب به جرایم مستوجب حدود، جرایم مستوجب قصاص و ... تقسیم بندی می‌شوند و همین طبقه‌بندی در ماده ۷ قانون راجع به مجازات اسلامی مورد توجه مقنن جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته بود.

تحت تأثیر استفتایی از امام خمینی (ره) نوع پنجمی از مجازاتها به عنوان «مجازاتهای بازدارنده» به انواع مجازاتها اضافه گردید [۴۱، ص ۱۲۴]؛ بدین ترتیب جرایم نیز حسب مورد به ۵ دسته تقسیم گردیدند [۴۲، ص ۷]. دسته اول، یعنی جرایم مستوجب حد، از جمله حقوق... محض محسوبند و، بنابراین مشمول عنوان جرایم بدون بزه دیده هستند، به استثنای مواردی چون سرقت، قذف و زنا؛ به عنف که بزه دیده معین دارند. دو دسته دیگر، یعنی جرایم مستوجب قصاص و دیات، از جمله جرایم علیه اشخاص محسوب و واجد بزه دیده معین هستند. در دسته‌های چهارم و پنجم که جرایم مستوجب تعزیر و مجازاتهای بازدارنده قرار می‌گیرند، به تعداد بیشتری از جرایم بدون بزه دیده معین برمی‌خوریم، که به لحاظ رعایت قواعد اخلاقی و یا سایر مصالح عمومی از طرف مقنن، جرم انگاری شده‌اند.

از طرف دیگر، بعضی از صاحب نظران حقوق کیفری اسلام، مصالح ملزمه و لازم الرعایه جامعه را به ۵ دسته و گاهی ۶ دسته تقسیم کرده‌اند که از آنها بعنوان مصالح خمسسه یا سته یاد می‌کنند و به همین دلیل، جرایم را هم به ۵ یا ۶ دسته بدین شرح طبقه‌بندی می‌کنند: جرایم علیه دین، جرایم علیه عقل، جرایم علیه نسل، جرایم علیه اموال و مالکیت، جرایم علیه اشخاص و جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی [۴۳، ص ۵۸ و ۴۴، ص ۵]. سه دسته اول از این طبقه‌بندی ۶ گانه که شامل جرایمی همچون ارتداد، سب‌النبی، توهین به مقدسات، شرب خمر، زنا، لواط و مساحقه می‌گردد، از مصادیق بارز «جرایم بدون بزه دیده» است؛ مضافاً اینکه در

دسته ششم، یعنی جرایم علیه نظم و امنیت عمومی، هم موارد متعددی از جرایم بدون بزه دیده قرار می‌گیرد.

در جدول زیر، این جرایم در سه ستون و بر حسب طبقه‌بندی مذکور، به نحو اجمال ذکر شده‌اند. البته همان گونه که قبلاً هم بیان شد، به نظر ما جرم بدون بزه‌دیده، اصولاً وجود ندارد و استعمال این عنوان به صورت مطلق صحیح نیست. بنابراین جدول ۲ را باید «فهرست جرایم توأم با رضایت و بدون بزه دیده مستقیم» بنامیم.

جرایم جنسی (جرایم علیه نسل و کیان خانواده)	جرایم مذهبی (جرایم علیه مذهب و عقل)	جرایم علیه نظم عمومی
زنا	ارتداد	ولگردی
لواط	سبّ النبی	تکدی‌گری
مساحقه	توهین به مقدسات	کلاشی
روابط نامشروع (غیرزنا)	تظاهر به عمل حرام	اعتیاد به مواد مخدر
قوادی	دایر کردن مراکز فساد و فحشا	مقررات راجع به استفاده از کمر بند ایمنی و کلاه ایمنی
تفخیز	هرزه نگاری	تخلفات رانندگی
بوسیدن از روی شهوت	شرب خمر	حمل اسلحه و مواد منفجره
برهنه قرار گرفتن دو نفر در زیر یک پوشش	استعمال علنی مشروبات الکلی	ریا
بی‌حجابی و بدحجابی زنان	خرید، حمل یا نگهداری مشروبات الکلی	قماربازی و فعالیت‌های مربوط به آن
	دایر کردن محل برای شرب خمر	

۶- رابطه جرایم بدون بزه‌دیده و اخلاق

بحث در مورد رابطه جرایم فاقد بزه‌دیده و اخلاق از چند نظر حائز اهمیت است:

۱. اگرچه به طور کلی در مباحث حقوقی غالباً صاحب‌نظران در پی شناسایی و اثبات تعامل بین اخلاق و حقوق و تأثیر و تأثر این دو هستند، لکن در مورد جرایم فاقد بزه‌دیده، مسأله تقابل و حتی تعارض این جرایم با اخلاق بارزتر است و برای حفظ میانی اخلاقی، ضرورت جرم انگاری آنها در حقوق کیفری بیشتر احساس می‌شود؛ چرا که قسمت اعظم جرایم فاقد بزه‌دیده در واقع شامل مواردی از نقض هنجارها و اصول اخلاقی به شمار می‌آیند، تا جایی



که گسترش و افزایش روند جرایم فاقد بزه دیده می‌تواند بیانگر میزان افول مبانی و اصول اخلاقی در جامعه باشد.

۲. در جرایم فاقد بزه دیده، صحبت از «حق» و «آزادی» می‌شود: آزادی بهره‌وری از جسم خود به هر طریق، آزادی صدمه زدن به خود، حق رضایت دادن به ارتکاب جرم علیه خود، حق بزه دیده واقع شدن، و... ولی آیا این «حق» و «آزادی» از لحاظ موازین اخلاقی مشروع و مورد قبول است؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید مفهوم اخلاق مشخص شود و آنگاه معیاری برای تشخیص عمل اخلاقی از عمل غیر اخلاقی ارائه گردد و سپس محدوده «حق» و «آزادی» در اخلاق ترسیم گردد.

۶-۱- مفهوم اخلاق

در مورد مفهوم اخلاق در ابتدا ذکر این نکته ضروری است که در این بحث، مراد ما از اخلاق، «اخلاق عمومی» است، نه «اخلاق فردی». در مورد مفهوم اخلاق عمومی یکی از نویسندگان معتقد است: «اخلاق عمومی آن محدوده از اعمال فرد است که بر روی کل جامعه تأثیر می‌گذارد. این مفهوم تا حدود زیادی شبیه آن چیزی است که بای اسکات آن را اخلاق «شهروندی» نامیده است. این مفهوم تا حدود زیادی با اخلاق خصوصی همپوش است، اما حدّ فاصلی وجود دارد که این دو مفهوم را از هم جدا می‌سازد. این حدّ فاصل، همان چیزی است که جرایم فاقد بزه دیده نامیده می‌شود [۴۵، ص ۲].»

۶-۲- معیار تشخیص عمل اخلاقی

تشخیص اینکه فلان عمل مطابق با موازین اخلاق عمومی است یا ناقض هنجارهای اخلاقی، کار آسانی نیست و ضابطه و ملاک قطعی و دقیقی نیز در این خصوص وجود ندارد. با این حال به نظر بعضی از محققان، یک معیار برای تشخیص اینکه عملی جزء اخلاق عمومی است یا نه، این است که ببینیم اگر هر فردی در جامعه آن عمل را انجام دهد چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر همه مردم بنشینند و تلویزیون تماشا کنند و هر کس گوشه‌ای خزیده و هیچ کس ازدواج نکند، خانواده‌ای تشکیل نمی‌شود و زاد و ولد به ناگهان متوقف می‌گردد. این اعمال جامعه را نابود خواهد کرد. اگر هر کس روزانه یک پاکت سیگار بکشد، همه مردم مریض می‌شوند و سالهای آخر عمر خود را در وضع رقت باری به پایان خواهند برد [۴۵، ص ۳].»

بدین ترتیب، معیار تشخیص اینکه فلان عمل جزئی از اخلاق عمومی محسوب می‌شود یا نه، این است که آیا آن عمل بر کل جامعه تأثیر می‌گذارد یا خیر؟ در صورت اول، چنانچه این تأثیر مثبت باشد، آن عمل مطابق اخلاق عمومی شناخته می‌شود ولی چنانچه این تأثیر به صورت منفی باشد، آن عمل مخالف عمومی به حساب می‌آید. به عنوان مثال، کار کردن و تولیدکردن عملی است که برای جامعه مفید است و تأثیر مطلوبی در پیشرفت، توسعه و رفاه جامعه دارد. بنابراین کار کردن عملی مطابق اخلاق عمومی محسوب می‌شود، ولی روابط جنسی نامشروع که موجب تضعیف روابط بین زن و شوهر و سستی بنیان خانواده و مآلاً تزلزل کل جامعه خواهد بود، یک عمل خلاف اخلاق عمومی محسوب می‌شود. در واقع ارتکاب زنا، خیانت به کسی است که با او پیمان زناشویی بسته شده و سریعترین روشی است که ازدواج را بر هم زده، به محض وقوع، نتایج زیانبار و شومی را به دنبال خواهد داشت.

۳-۶- محدوده حق و آزادی در اخلاق عمومی

حق و آزادی از ارزنده‌ترین مواهب الهی‌اند که خداوند به انسانها عطا کرده و از این طریق به انسان کرامت و ارزش بخشیده است؛ اما این حق و آزادی مطلق است یا خیر؟ محدوده حق و آزادی از لحاظ اخلاق کدام است؟

یکی از صاحب‌نظران با طرح سؤلهایی به این پرسش اینگونه پاسخ می‌دهد: آیا مردم واقعاً حق دارند برای خود تصمیم بگیرند که حتی خود را از بالای کوه به پایین پرتاب کنند یا موتور سیکلت را بدون کلاه ایمنی سوار شوند؟ آیا آنها آزادند به مصرف هروئین پردازند یا اقدام به خودکشی کنند؟ آیا هر راننده‌ای آزاد است در پیست مسابقات به اتومبیل‌رانی پردازد؟

مطابق مفهوم اخلاق عمومی، اگر شخصی در حال انجام این نوع کارهای خطرناک بمیرد، اشخاص دیگر جامعه از سود ناشی از وجود و فعالیت وی محروم می‌شوند. مثلاً زندگی ریاضیدان با استعداد، راوار لسیت گالویز را در نظر بگیرید که در سن ۲۰ سالگی در یک دوئل جان باخت. او می‌توانست یک زندگی و عمر ثمربخش و نوید دهنده داشته باشد اما هم اکنون کسی او را نمی‌شناسد [۴، ص ۴]. علاوه بر این، ارتکاب بعضی از این اعمال، بالقوه زندگانی دیگران را هم دچار مخاطره می‌کند.



بنابراین چه نظریه طرفداران اصالت فرد، همچون جان استوارت میل^۱ را بپذیریم و با طرفداران آزادی گرای و لیبرالیسم هم عقیده باشیم، و چه نظریه طرفداران اصالت اجتماع را قبول کنیم و معتقد به مبانی جوامع سوسیالیستی و توتالیتر باشیم [۶، ص ۲۱۰] در هر صورت، نمی‌توان پذیرفت که نظام آزادیها، صرفاً تابع خواستها و تمایلات خودسرانه و دلبخواه افراد جامعه باشد؛ زیرا در این صورت، منافع و مصالح عالی جوامع بشری در معرض خطر قرار می‌گیرد و طبیعی است که منافع و مصالح فرد نیز دچار مخاطره خواهد شد و این امر بالمال در تعارض با علت خلقت انسان است؛ زیرا که تکامل و رشد معنوی و اخلاقی او بالاترین هدف از خلقت انسان معرفی شده است [۷، ص ۱۷].

۷- نتیجه‌گیری

تحقیق و بررسی «جرائم بدون بزه دیده» نشان می‌دهد که شناسایی کامل این نوع جرایم در تعیین و تنظیم سیاست جنایی هر کشور نقش مؤثر و غیرقابل انکاری دارد. با توجه به اینکه مقوله‌های مهم سیاست جنایی، مانند آمار جنایی، پیشگیری از جرم، صلح و سازش طرفین جرم، و عدالت ترمیمی همگی در گرو شناسایی بزه دیده است و عمدتاً با همکاری او صورت می‌گیرد، بدون وجود بزه‌دیده معین و نیز در صورتی که بزه دیده حاضر به شکایت و پیگیری نباشد (در جرایم توافقی) و یا اصولاً بزه دیده خود همکار بزه‌کار باشد، تهیه و تنظیم و اجرای یک برنامه سیاست جنایی با مشکلات جدی مواجه خواهد بود.

همچنین بررسی دقیق عناصر اصلی و مؤثر در «جرائم بزه دیده»، یعنی شخص بزه دیده، خسارت و رضایت بیانگر این امر است که استعمال اصطلاح «جرائم بدون بزه دیده» با قدری تسامح و تساهل از طرف محققان صورت گرفته و در این موارد مناسبتر است از اصطلاحاتی چون «جرائم بدون بزه دیده مستقیم» یا «جرائم بدون بزه دیده مشخص» استفاده شود، زیرا تحقیق حاضر نشان می‌دهد هر جرمی، به هر حال خساراتی را در بردارد، اعم از خسارت مادی و معنوی، با فوت منافع ممکن‌المحصول و یا خسارت جسمانی، اما این خسارات و صدمات لزوماً به طور مستقیم متوجه شخص یا اشخاص معین نمی‌گردد. بلکه به طور کلی، هر جرمی ممکن است یکی از چهار نوع بزه دیده زیر را به وجود آورد:

۱. بزه دیده مستقیم، مانند مجنی‌علیها در زنای به عنف،

۱. J. Stuart Mill

۲. بزه دیده مرتبط، مانند اولیای دم در قتل عمدی،
۳. بزه دیده غیرمستقیم، مانند شهروندان و افراد جامعه در جرم اعتیاد،
۴. خود بزهکار، در جرایمی چون خودزنی و خودکشی در نظامهایی که این اعمال جرم انگاری شده است.

بدین ترتیب، نظریه جرم زدایی از جرایم بدون بزه دیده با این استدلال که این جرایم فاقد قربانی هستند، صحیح نیست، زیرا در هر جرمی حداقل یکی از بزه‌دیدگان چهارگانه فوق وجود خواهد داشت؛ علاوه بر اینکه جرایم بزه‌دیده نوعاً ناقص حداقل یکی از قواعد اخلاقی هستند و حقوق کیفری نمی‌تواند نسبت به نقض اصول و قواعد اخلاقی، به ویژه در جوامعی همچون جامعه ایران، که دینداری و حفظ قواعد اخلاقی، جزء هویت ملی مردم آن محسوب می‌گردد، بی‌اعتنا باشد.

۸- منابع

- [۱] پیکا، ژ.، *جرم‌شناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.
[۲] آشوری، م.، *عدالت کیفری*، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۶.
[۳] توماس، ب. و دیگران، *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه علی شجاعی، تهران، سمت، ۱۳۸۰.
[۴] پرادل، ژ.، *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ۲، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
[۵] نجفی ابرندآبادی، ع.ح.، *دییایچه‌ای بر بزه‌دیده و بزه‌دیده شناسی*، نوشته ژرار لُپز و ژینا فلیزولا، ترجمه روح الدین کردعلیوند و احمد محمدی (تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۹).
[۶] ویانو، م.، «بزه‌دیده شناسی» ترجمه نسرين مهرا، *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۳۷۲، ش ۲۰-۱۹.
[۷] عباسی، م.، *افقهای نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری*، تهران، دانشور، ۱۳۸۲.
[۸] Schur, E. M., *Crimes without Victims*, Prentice Hall, ۱۹۹۵.
[۹] گسن، ر.، «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۳۷۶، ش ۲۰-۱۹.

[۱۰] <http://www.lp.org/issues/platform/victcrim.html>

[۱۱] [www.halexandria.org/dward ۲۶۷.htm](http://www.halexandria.org/dward%20.htm)

[۱۲] en.wikipedia.org/wiki/consensual-crime.

[۱۳] Garner, B., *Black's Law Dictionary*, ۵th Redvint Dallas, (U.S.A) ۲۰۰۰



- [۱۴] آشوری، م.، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، چ ۳، تهران، سمت، ۱۳۷۶.
- [۱۵] هادی، د.، بررسی حقوق بزه‌دیدگان در قوانین کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مجتمع آموزشی عالی قم، ۱۳۸۱.
- [۱۶] کی‌نیا، م.، مبانی جرم‌شناسی، ج ۲، چ ۶، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- [۱۷] نجفی ابرندآبادی، ع.ح. و هاشم بیگی، ح.؛ دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
- [۱۸] ویلسون، ج. و کلینگ، ج. «پنجره‌های شکسته» ترجمه محمدصادری توحیدخانه، مجله حقوقی دادگستری، تابستان ۱۳۸۲، ش ۴۳.
- [۱۹] صفاری، ع.، «مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم» مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۰، ۱۳۸۰ ش ۳۴-۳۳.
- [۲۰] Choen, L.& Felson, M., "Social Change and Crime Rate Trends: A Routine Activity approach". *American Sociological Review*, ۱۹۷۹, no. ۴۴.
- [۲۱] رزن بام، د. و دیگران، «پیشگیری وضعی از جرم» ترجمه رضا پرویزی، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ۱۳۷۹، ش ۳۲.
- [۲۲] Zehr, H., *Changing Lenses: A New Focus for Crime and Justice*, Pennsylvania, waterlod, Herald Press, ۱۹۹۰.
- [۲۳] نجفی ابرندآبادی، ع.ح.، «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی» مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، س ۳، ۱۳۸۲، ش ۹-۱۰.
- [۲۴] نجفی ابرندآبادی، علی حسین، عدالت ترمیمی، دیباچه‌ای بر تاریخ اندیشه‌های کیفری، نوشته ژان پرادل، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- [۲۵] Williams, K., *Crimonology*, ۴th ed., Oxford, London, ۲۰۰۱.
- [۲۶] لُپز، ژ و فلیزولا، ژ.، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کردعلیوند و احمد محمدی، تهران، مجد، ۱۳۷۹.
- [۲۷] Fattah E., *Understanding Criminal Victimization*, Prentice-Hall, Scarborough, Ontario, ۱۹۹۱.
- [۲۸] گسن، ر.، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، مجد، ۱۳۷۴.
- [۲۹] Separovic, Zp, *Victimology*, Zagreb, Samobor Novaki, ۱۹۸۵.

- [۳۰] توجهی، ع. «کاربرد یافته‌های بزه‌دیده شناختی در روند مبارزه با اعتیاد»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، ج ۱ روزنامه رسمی، ۱۳۷۹.
- [۳۱] توجهی، ع. «جایگاه حمایت از بزه‌دیدگان در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، س ۳، ۱۳۸۰، ش ۹.
- [۳۲] توجهی، ع. «سیاست جنایی حمایت از بزه‌دیدگان» مجله مجتمع آموزش عالی قم، س ۱، ۱۳۷۸، ش ۴.
- [۳۳] آخوندی، م. آیین دادرسی کیفری، ج ۱، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- [۳۴] رایجیان اصلی، م. بزه‌دیده در فرآیند کیفری، انتشارات خط سوم، ۱۳۸۱.
- [۳۵] سلطانی‌نژاد، ه. خسارت معنوی، تهران، انتشارات نورالثقلین، تهران، ۱۳۸۰.
- [۳۶] محمد نجم، م. ص. رضاء المجنی علیه و أثره علی المسئولیه الجنائیه، کلیه الحقوق، جامعه قاهره، ۲۰۰۰ م.
- [۳۷] جعفری لنگرودی، م. ج. ترمینولوژی حقوق، تهران، بنیاد راستاد، ۱۳۶۳.
- [۳۸] باهری، م. نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران، مجد، ۱۳۸۰.
- [۳۹] Scheb, J., Criminal Law, 2nd ed., West, Wadsworth, 1999, Sashington U.S.A., 1999.
- [۴۰] <http://www.contrib.andrew.cmu.edu/nifty/victimless.html>
- [۴۱] مهرپور، ح. دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲.
- [۴۲] رهامی، م. «تحول و تعدیل مجازاتها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران»، اندیشه‌های حقوقی، ش ۴، انتشارات مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۸۲.
- [۴۳] گرجی، ا. مقالات حقوقی، ج ۱، چ ۲، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- [۴۴] رهامی، م. «عرفی شدن مجازاتها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران»، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
- [۴۵] www.badwisdom.com/victimless-crimes.htm
- [۴۶] طباطبائی مؤتمنی، م. آزادیهای عمومی و حقوق بشر، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- [۴۷] مطهری، م. مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، قم، صدرا، ۱۳۵۷.

